

گفت‌وگوی صبا با محمد خراسانی‌زاده، مدیرکل دفترهای تجسمی

مهم‌ترین دغدغه‌ام بازپس‌گیری زمین بازارچه لاله است

باتوجه به گفت‌وگوی اخیر شما درباره بازارچه «لاله» شاید بد نباشد بحث را با این موضوع شروع کنیم، برای بعضی این سوال مطرح است که اگر این فضا متعلق به موزه هنرهای معاصر تهران بوده چرا تا امروز نسبت به بازپس‌گیری آن اقدامی صورت نگرفته و این که بالاخره سر نوشت این بازارچه با وجود کار آفرینانی که از نزدیک شاهد مشقت و زحمات آنها نسبت به تامین اجاره‌بهای غرفه‌هایشان بوده‌ام چه خواهد شد؟

اول از همه درباره تاریخچه فضای

بازارچه «لاله» بگویم. آن طور که اسناد را بررسی کرده‌ام در اواخر دهه ۶۰ تفاهم‌نامه‌ای بین وزارت فرهنگ و وزارت کار برقرار می‌شود و زمین‌هایی که متعلق به موزه هنرهای معاصر تهران بوده و حتی در سند هم مالکیت موزه قید شده است، به مدت یکسال برای جانمایی ۷۵ غرفه بدون امکان توسعه غرفه‌ها و فقط در جهت مصارف فرهنگی، کار آفرینی و صنایع دستی در اختیار آنها قرار می‌گیرد تا بعد از یکسال، کسب و کار خود را به محل دیگری منتقل کنند. اما در این فاصله، این تفاهم‌نامه دوسه بار تمدید می‌شود و شاید پیگیری کمتری از سوی وزارت فرهنگ صورت می‌گیرد و مرور زمان هم باعث می‌شود تا این غرفه‌ها ماندگار شوند و توسعه نابه‌جایی شکل بگیرد. در نتیجه، ۷۵ غرفه در این سال‌ها به رشد

در دو سال گذشته که محمد خراسانی‌زاده به سمت مدیرکل دفتر هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ریاست موزه هنرهای معاصر تهران منصوب شد بارها به بهانه‌های مختلف با او به گفت‌وگو نشستیم. اما این گفت‌وگو با دفعات پیشین تفاوت دارد، با توجه به تغییرات معمول که بعد از انتخابات ریاست جمهوری در هر دوره صورت می‌گیرد، مبنای این قرار داده‌ایم که اگر وی در دولت جدید و در این سمت ابقاء نشوند، مروری بر کارنامه فعالیت‌های او در این بازه زمانی داشته باشیم و در عین حال، جویا شویم که خراسانی‌زاده چه طرح و برنامه‌هایی برای توسعه هنرهای تجسمی در نظر داشته که اگر در این جایگاه باقی نماند، نیمه‌کاره خواهند ماند.

آزاده صالحی
گفت‌وگو

چهار برابری رسیدند که این آمار به شیوه ناصوابی رقم خورده است. امروز اگر بخواهیم عکس خوبی از نمای موزه بگیریم که یک طرف آن معماری موزه باشد و از سمت شمال، کوه‌های تهران نمایان باشند، بازارچه «لاله» با رشد ناهنجار، میله‌های زنگ‌زده، ایجاد غرفه‌های کوچک و بزرگ و فضای کسب و کار فعلی در بعضی از غرفه‌ها که بی‌ارتباط به فضای فرهنگ و هنر است، انسان را دچار دلخوری می‌کند که چرا در پردیس هنری که بین موزه هنرهای معاصر تهران و موزه ملی فرش قرار گرفته، چنین حالتی ایجاد شده است. از طرفی، نگرانی شخص من که نگرانی جدی‌ای هم هست این است که قرار نیست به واسطه این که اموال و زمین‌های دولت به موزه برگردد، غرفه‌داران بازارچه «لاله» دچار آسیب شوند و کسب و کارشان به مخاطره بیفتد. بنابراین پیشنهادی که برای مجموعه شهرداری تهران داشته‌ایم این بوده است که فضای جایگزینی را برای استقرار غرفه‌های بازارچه در نظر بگیرد تا کاسبان این غرفه‌ها در کمال عزت و احترام و نظم و سیاق و تفاهمی به محل دیگری منتقل شوند. در کنار آن، پیشنهاد تکمیلی هم ارائه کرده‌ایم و آن این که بازپس‌گیری این فضای می‌تواند مشکل پارکینگ را که یکی از مشکلات جدی در خیابان کارگر است را مرتفع کند.

ولی پارکینگ طبقاتی «لاله» توانسته تا حدودی این خلاء را پر کند.

بله؛ ولی توجه داشته باشید که این پارکینگ جوابگوی حجم ماشین‌ها در این منطقه نیست، ضمن این که پارکینگ «لاله» با محل موزه فاصله دارد. پیشنهاد ما این است که اگر شهرداری فضایی را با مترها بزرگ‌تر به غرفه‌داران بازارچه لاله اختصاص دهد، ما هم درازای این زحمت، یک فضای زیرزمینی را در اختیار شهرداری قرار می‌دهیم تا بتواند پارکینگ بسازد و در کنار آن در روی زمین هم بنایی متناسب با معماری موزه اضافه شود. یعنی یک ساختمان چند طبقه هم داشته باشیم که فضایی برای برپایی همایش‌ها و جشنواره‌های تخصصی باشد و آن را ساختمان شماره ۲ موزه نام بدهیم. این پیشنهاد کلان و کلی ما در این زمینه بوده است. هر چند باز هم تاکید می‌کنم تنها زمانی می‌توانیم وارد چنین فضایی شویم که تمام جنبه‌های آن را

